

نا اطمینانی و استراتژی بهینه در مدیریت نقدینگی بانک ها

هادی احمدپور



مقدمه

با ابلاغ بانک مرکزی به بانک‌ها در خصوص لزوم تمرکز بیشتر روی مدیریت نقدینگی و تنظیم منابع و مصارف خود، به نحوی که در اعطای تسهیلات صرفاً از منابع قابل تجهیز خود بهره‌برداری کنند و از به کارگیری منابع بانک مرکزی اجتناب کنند، اهمیت موضوع مدیریت نقدینگی بیش از پیش احساس می‌شود. با توجه به وجود ریسک‌های متفاوت (عملیاتی، اعتباری، بازار و قانونی) و همچنین مباحث مربوط به خصوصی سازی و بحث سودآوری، در مورد مدیریت نقدینگی بانک‌ها با نوعی نااطمینانی در انتخاب استراتژی بهینه مواجه می‌شوند. به طوری که اگر در بحث تجهیز منابع، هدف سودآوری باشد، می‌باید هدف گذاری بر اساس جمع‌آوری منابع ارزان قیمت باشد که در آن صورت با ریسک ناپایداری اینگونه از منابع و سپرده‌ها مواجه می‌شوند و بالعکس، اگر هدف کاهش

ریسک باشد، می‌باید به جمع‌آوری منابع و سپرده‌هایی که پایداری بیشتری دارند (سپرده‌های مدت دار) اقدام کنند، که این امر با افزایش هزینه عملیاتی همراه است.

از طرفی در بخش تخصیص و توزیع (سپرده‌ها) یا منابع، اگر هدف سودآوری باشد، می‌باید با توجه به سه وضعیت ممکن تغییر نرخ سود تسهیلات در آینده (افزایش، کاهش، ثبات) تخصیص منابع انجام بگیرد، که به ترتیب، در صورت افزایش، اقدام

به تخصیص تسهیلات کوتاه مدت کند و در صورت کاهش سود تسهیلات، تسهیلات بلندمدت اعطا کنند و در صورت ثابت بودن و برابری نرخ سود، بی تفاوت باشد.

اگر تخصیص منابع و ارائه تسهیلات با هدف جلوگیری از ریسک باشد، بانک می‌باید به پرداخت تسهیلات کوتاه مدت اقدام کند، زیرا تنها در این صورت ریسک اعتباری و بازار، به دلیل بازگشت سریع سرمایه به حداقل می‌رسد. به این ترتیب می‌توان به نوعی از افزایش نرخ ریسک پرداخت تسهیلات (نسبت مطالبات معوق به مصارف) کم کرد.

با توجه به موارد یاد شده این مقاله سعی دارد، با ارائه دیدگاه‌های نظری، مبحث جدیدی را برای تجزیه و تحلیل و انتخاب بهترین

استراتژی که هر دو دیدگاه (سودآوری و ریسک) را به طور همزمان دارد، ارائه دهد.

مدیریت نقدینگی

مدیریت نقدینگی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی سیستم بانکداری است. دلیل اصلی این چالش این است که بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه مدت تأمین مالی می‌شود. علاوه بر این، تسهیلات اعطایی بانک‌ها صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند.

وظیفه اصلی بانک ایجاد توازن بین تعهدات کوتاه مدت مالی و سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت است. نگهداری مقادیر ناکافی نقدینگی بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات و در نتیجه ورشکستگی قرار می‌دهد. نگهداری مقادیر فراوان نقدینگی، نوع خاصی از تخصیص ناکارآمد منابع است که باعث کاهش نرخ سوددهی بانک به سپرده‌های مردم و در نتیجه از دست دادن بازار می‌شود.

مدیریت نقدینگی به معنی توانایی بانک برای ایفای تعهدات مالی خود در طول زمان است. مدیریت نقدینگی در سطوح مختلفی صورت می‌گیرد که عمده آن‌ها عبارتند از:

۱- اولین نوع مدیریت نقدینگی به صورت روزانه انجام می‌گیرد و به صورت متناوب نقدینگی مورد نیاز در روزهای آتی پیش‌بینی می‌شود.

۲- دومین نوع مدیریت نقدینگی

که مبتنی بر مدیریت جریان نقدینگی است، نقدینگی مورد نیاز را برای فواصل طولانی تر شش ماهه تا دو ساله پیش‌بینی می‌کند.

۳- سومین نوع مدیریت نقدینگی به بررسی نقدینگی مورد نیاز بانک در شرایط بحرانی می‌پردازد.

نکته ای که می‌باید مورد توجه قرار گیرد، مباحث مربوط به هزینه و فایده پول است.

ویژگی‌های دارایی‌های نقد شونده در بانک‌ها

دارایی‌های نقدشونده یا سیال، دارایی‌هایی هستند که درجه نقدشوندگی بالایی دارند و به سرعت به وجه نقد تبدیل می‌شوند. این دارایی‌ها برای رویارویی با نوسانات اقتصادی پیش‌بینی پذیر و

نگهداری مقادیر ناکافی نقدینگی بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات و در نتیجه ورشکستگی قرار می‌دهد

بانک ها، خط مشی مناسبی برای جذب و نگهداری سپرده ها در پیش بگیرند و رویه های بررسی تحلیلی را بر مبنای منظم بودن، پایداری و مشخص بودن ساختار سپرده ها تنظیم کنند تا در صورت وجود احتمال برداشت منابع، این تحلیل ها به صورت کارآمد، مورد استفاده قرار گیرد. تحلیلگران ساختار سپرده، باید درصد هسته پایدار (Hard-Core)، ثبات فصلی بودن و نوسانات یا بی ثباتی سپرده ها را تعیین کنند. (Bratanovic, 2000, p59, Greuning)

وجوه بین بانکی

وجوه بین بانکی شامل مبالغ بدهی به سایر بانکها و مؤسسه‌های اعتباری است. کلیه سپرده ها، وام ها و پیش پرداخت های بین بانکی، به طور عادی به عنوان منابع تأمین مالی ناپایدار یا بی ثباتی تلقی می‌شوند. تجزیه و تحلیل وجوه بین بانکی ممکن است بر ساختار ویژه در سیستم بانکی دلالت کند. برای مثال حالتی است که تأمین نقدینگی یک گروه از بانکها، توسط یکی از اعضای آن گروه صورت می‌پذیرد. ممکن است استقراض بین‌المللی شامل وام از بانک‌های خارجی، آژانس های گسترش صادرات در کشورهای مختلف و یا آژانس‌های پرداخت وام بین‌المللی به اضافه حساب‌های بین بانکی است. نمونه‌های غیر مستقیم شامل سفته‌ها، قبولی برات های وارداتی و اسناد تجاری با ظهرنویسی بانکها، ضمانت‌نامه‌ها و پروات و یا اسناد تجاری تنزیل شده توسط بانک‌های خارجی در کشورهای مختلف است. وجود منابع خارجی عموماً نشان دهنده اعتماد بین‌المللی به اقتصاد کشور است. (Greuning Bratanovic, 2000, pp. 69, 70)

- نکات در خور توجه در تأمین منابع از طریق وام های بین بانکی عبارت است از:
- ۱- این منابع معمولاً کوتاه مدت هستند و در هنگام بحران مالی مورد استفاده قرار می‌گیرند.
 - ۲- استفاده از این منابع زنگ خطر است و ممکن است موجب کاهش اعتبار بانک شود.
 - ۳- هزینه و حجم جذب منابع وام بین بانکی رابطه قوی با درجه اعتبار بانک دارد.
 - ۴- استفاده مکرر از این منابع ممکن است باعث کاهش درجه اعتبار بانک شود.
 - ۵- اعتبار بالاتر منجر به هزینه پایین تر جذب این منابع می‌شود.

پیش بینی ناپذیر ارقام تراز نامه در نظر گرفته می‌شوند. در شرایطی که بازارهای مالی، توسعه نیافته و نقد شدن مطالبات مختلف بانکها منحصرأ وابسته به زمان سررسید آنها باشد و هیچ گونه قابلیت خرید و فروش وجود نداشته باشد، بانک ها به نگهداری مبالغ بالایی از دارایی های نقدی تمایل دارند تا متحمل پرداخت بهره نشوند یا نرخ بهره کمتری پرداخت کنند. در چنین شرایطی دارایی های نقد شونده، حداقل ۱۰ درصد و در حالت حاد تا ۲۰ درصد از کل دارایی های یک بانک را تشکیل می دهد. در محیط های بانکی با بازارهای مالی توسعه یافته، میزان داراییهای نقد شونده تنها ۵ درصد از کل داراییها را شامل می شود. شناخت کامل این بازارها به منظور انجام معاملات الزامی است، زیرا اگر چه در برهه ای از زمان برخی از داراییها ظاهراً نقدشونده هستند، اما ممکن است در زمان های دیگر برای نقد کردن آنها مشکلات خاصی ایجاد شود. هدف اصلی از الزام به نگهداری دارایی های نقد شونده، اطمینان از جریان های مالی پیش بینی شده به منظور پرداخت به متقاضیان است. این سرمایه گذاری اجباری ممکن است توان انعطاف پذیری مالی را کاهش و هزینه اعتبار داده شده به بخش های اقتصادی را افزایش دهد. با افزایش هزینه اعتبار، سطح ریسک مالی بانک نیز افزایش خواهد یافت. در بسیاری از کشورها، رشد بازار مالی و افزایش پورتفوی سرمایه گذاری، عموماً منعکس کننده رشد وضعیت بانکها به سوی انجام عملیات نامتعارف است. در چنین مواردی پورتفوی سرمایه گذاری شامل انواع ابزارهای مختلف اوراق بهادار است. این جهتگیری در مدیریت ریسک به معنی جایگزین کردن ریسک اعتباری با ریسک نوسانات قیمت بازار، به وسیله بانک ها است. (بختیاری، ۱۳۸۵)

ویژگی های بدهی ها در بانک

سپرده‌ها: سپرده‌ها معمولاً بخش بزرگی از بدهی های بانکها را تشکیل می‌دهند. سپرده‌های مشتریان نشان دهنده میزان وجوه پذیرفته شده از عموم، مانند پس انداز، سپرده‌های دیداری، سپرده‌های ثابت، سپرده‌ها با اعلام قبلی و سپرده‌های ارزی خارجی است. ساختار و ثبات سپرده‌ها بیشترین اهمیت ممکن را دارد و مراقبت‌های مضاعفی را می‌طلبد. میزان تراکم، زمان سررسید، پایداری و نوع ارز از موضوعهایی است که در زمان مصرف این منابع مورد توجه قرار می‌گیرد. رقابت برای تجهیز منابع، یک جریان عادی در بازار بانکی است و بیشتر سپرده گذاران، اعم از خانواده ها و شرکت ها در نظر دارند کارکرد و بازده وجوه خود را بیشینه کنند. بنابراین لازم است

۶- اعتبار بالاتر منجر به جذب حجم بالاتر این منابع می‌شود.
۷- جذب منابع از این طریق معمولاً از ثبات نسبی برنامه‌ریزی‌ها می‌کاهد. (بختیاری، ۱۳۸۵)

در بانک‌ها همواره مباحث ریسک با مدیریت نقدینگی در ارتباط هستند. در ادبیات مدیریتی و بانک، از ۴ نوع ریسک (عملیاتی، اعتباری، بازار، قانونی) یاد می‌شود:

ریسک عملیاتی: ریسک عملیاتی عموماً ناشی از اشتباه‌های انسانی یا اتفاقات و خطای تکنیکی تعریف می‌شود. این ریسک شامل تقلب (موقعیتی که معامله‌گرها اطلاعات غلط می‌دهند)، اشتباه‌های مدیریتی و کاستی کنترل می‌شود. خطای تکنیکی ممکن است ناشی از نقص در اطلاعات، پردازش معاملات، سیستم‌های جابه‌جایی یا به طور کلی هر مشکل دیگری در سطح سازمان روی می‌دهد، باشد.

ریسک‌های عملیاتی ممکن است منجر به ریسک‌های اعتباری و بازار شوند. به عنوان مثال، یک اشتباه عملیاتی در معامله تجاری مانند انجام ندادن جابه‌جایی ممکن است ریسک بازار یا ریسک اعتباری ایجاد کند، زیرا هزینه آن به تغییرات قیمت بازار وابسته است.

ریسک اعتباری: ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهدات قرارداد را انجام دهد.

ضررهای ناشی از ریسک اعتباری ممکن است قبل از وقوع نکول واقعی طرف قرارداد رخ دهند. به طور کلی تر ریسک اعتباری را می‌توان به عنوان ضرر محتمل که در اثر یک رخداد اعتباری اتفاق می‌افتد، بیان کرد. رخداد اعتباری زمانی واقعی شود که توانایی طرف قرارداد در تکمیل تعهداتش تغییر کند. ریسک اعتباری یکی از مهم‌ترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و شرکت‌های مالی است. علت به وجود آمدن این ریسک این است که دریافت‌کنندگان تسهیلات، توانایی بازپرداخت اقساط بدهی خود را به بانک نداشته باشند.

ریسک بازار: این ریسک در اثر نوسانات قیمت دارایی‌ها در بازار ایجاد می‌شود. اشخاص حقیقی و حقوقی دارایی‌های خود را به

صورت‌های مختلف مانند پول نقد، سهام، اوراق قرضه، مسکن، طلا و سایر دارایی‌های با ارزش نگهداری می‌کنند. تمام این دارایی‌ها در معرض تغییرات قیمت قرار دارند، و این نوسانات قیمتی مداوم، عامل اصلی ایجاد ریسک بازار هستند. ریسک بازار که یکی از عوامل اصلی ایجادکننده ریسک است، به همراه ریسک اعتباری نقش اصلی را در اکثر ورشکستگی‌ها ایفا می‌کند. بحران‌های پیاپی و پیوسته مالی ناشی از ریسک مالی که در دو دهه اخیر در مقاطع مختلف در سطح جهان روی داده‌اند، لزوم مدیریت یک پارچه و کمی ریسک مالی با تمرکز بر ریسک بازار و ریسک اعتباری را بیش از پیش مطرح کرده‌اند.

ریسک نرخ ارز: یکی از ریسک‌های زیر مجموعه ریسک بازار است که به دلیل تغییرات نرخ ارز روی می‌دهد. اهمیت این ریسک هنگامی افزایش می‌یابد که بخش قابل توجهی از پرتفوی

شرکت متشکل از یک ارز یا ارزهای گوناگون بر اساس وضعیت بازار (سید ارزی) باشد. حالت دیگری که باعث ایجاد ریسک نرخ ارز می‌شود، هنگامی روی می‌دهد که بانک مبادلات ارزی قابل توجهی داشته باشد یا اینکه در مورد بانک‌ها، سپرده‌های ارزی دریافت کرده و همچنین تسهیلات ارزی پرداخت کند.

ریسک قانونی: ریسک قانونی زمانی مطرح می‌شود که یک معامله از نظر قانونی قابل انجام نباشد.

ریسک قانونی در کل با ریسک اعتباری مرتبط است، زیرا طرفین معامله در صورت زیان در یک معامله به دنبال بستر قانونی برای زیر سؤال بردن اعتبار معامله می‌گردند.

این ریسک می‌تواند به صورت شکایت سهام‌داران علیه شرکتی که ضررده باشد، ظاهر شود. ریسک‌های قانونی از طریق سیاست‌هایی که قسمت حقوقی مؤسسه با مشاوره مدیر ریسک و مدیریت سطح بالا اعمال می‌کند، کنترل می‌شود. مؤسسات باید مطمئن باشند قراردادها با طرفین قابلیت اجرا دارد. با این حال وقتی پای زیان‌های بزرگ در میان باشد، کشمکش‌های هزینه‌بر به وجود می‌آید، زیرا منافع زیادی درگیر است.

ریسک قانونی که "ریسک حقوقی" نیز نامیده می‌شود، یکی از

نگهداری مقادیر فراوان نقدینگی، نوع خاصی از تخصیص ناکارآمد منابع است که باعث کاهش نرخ سوددهی بانک به سپرده‌های مردم و در نتیجه از دست دادن بازار می‌شود

ریسک‌های اثر گذار بر فعالیت شرکت‌ها است. دو عامل مهم در میزان ریسک حقوقی تأثیرگذار هستند. عامل اول ایجاد کننده ریسک حقوقی، نوع و ساختار قوانین، روند قانونگذاری، و همچنین تغییرات قوانین است. عامل دوم ایجاد کننده ریسک حقوقی، روابط حقوقی بین بانک و اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بانک است.

مدیریت ریسک و نقدینگی

هر معامله یا خدمتی که بانک‌ها انجام می‌دهند، دارای ریسک است. ریسک‌هایی که بانک‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از کوتاهی در روند امور و ناموفق بودن سیاست‌ها و یا نارسایی‌های سیستم ناشی می‌شود. همه اینها ممکن است باعث از دست رفتن مشتریان و فرصت‌های تجاری و شاید هم منجر به پرداخت غرامت شود. اگر بانک‌ها در روش‌های تأمین مالی و قیمت‌گذاری ارزش خدمات اشتباه کنند، در معرض ریسک قرار خواهند گرفت. بنابراین بانک‌ها به آگاهی کامل و جامع از بهای تمام شده منابع مالی و خدمات خود نیاز دارند.

(Hitchins, Hogg, 2001, p. 59)

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی در اثر ناتوانی یک بانک در تادیه و کاهش بدهی‌ها یا تأمین منابع برای افزایش دارایی‌ها به وجود می‌آید. در مواقعی که بانک از نقدینگی کافی برخوردار نباشد، نمی‌تواند با سرعت و هزینه معقول، منابع لازم را از محل افزایش بدهی یا تبدیل دارایی به وجه تأمین کند. این امر بر سودآوری بانک اثر می‌گذارد. در شرایط بحرانی، نداشتن نقدینگی کافی حتی منجر به ورشکستگی بانک می‌شود (Hitchins, Hogg, 2001, p. 22). (Basel Core Principles).

بانک‌ها به منابع مطمئن برای تأمین وجوه مورد نیاز خود دسترسی دارند. آنها می‌توانند وام‌های دراز مدت پرداخت کنند، حتی اگر این وام‌ها از محل سپرده‌های کوتاه مدت تأمین مالی شده باشند. آنها از این واقعیت که نرخ بهره در اوضاع و شرایط عادی (هم بهره پرداختی و هم بهره دریافتی) رابطه مستقیم با مدت وام و سپرده دارد، سود

می‌برند. اما به هر حال به علت نداشتن تطابق سررسید دارایی‌ها (وام‌ها) و بدهی‌ها (سپرده‌ها) بانک‌ها به طور مستمر با ریسک نقدینگی روبه‌رو هستند. این ریسک هنگامی پدید می‌آید که سپرده‌ها (اعم از اینکه از بازار عمده فروشی یا خرده فروشی دریافت شده باشند) سررسید شوند و سپرده‌های جدید برای جایگزینی آنها وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی بعید است با بازپرداخت وام‌ها بتواند این تفاوت را جبران کند. بنابراین جریان خروجی نقدی بیشتر از جریان ورودی نقدی خواهد شد. این به معنای آن است که بانک باید بین پرداخت نرخ‌های بالاتر بهره برای جذب سپرده‌های جدید، فروش تعدادی از دارایی‌های مالی که به سرعت در بازار نقدپذیر هستند، و یا فروش دارایی‌های با نقدینگی کم مانند وام‌ها با قیمتی پایین‌تر که منجر به زیان می‌شود، یکی را انتخاب کند. بانک‌ها ریسک نقدینگی را به طور سیستماتیک و منظم که از طریق تطابق نمودار، سررسید آنها نزدیک است، از

روی احتیاط و با نگهداری ذخایر نقد از قبیل وجه نقد نزد سایر بانک‌ها و اوراق بهادار دولتی قابل فروش در بازار، مدیریت می‌کنند. آنها ممکن است امکانات آماده و پشتیبانی متقابل بین بانکی را داشته باشند تا در صورت بروز مسائل نقدینگی، به صورت موقت متعهد به پرداخت وام به یکدیگر باشند. در حالی که کل بازار مالی تنش داشته باشد، معمولاً امکان دریافت وام از آخرین پناهگاه یعنی بانک مرکزی

وجود دارد (Hitchins, Hogg and Mallet, 2001, pp. 20, 21).

با استفاده از روش تبدیل دارایی‌های مالی به اوراق بهادار از طریق صدور اوراق مالی مشتقه همراه با قراردادهای تسهیلاتی اعطایی (طراحی اختیار فروش در میان قراردادهای، می‌توان ریسک نقدینگی را تا حد زیادی در بانک‌ها مدیریت کرد. یکی از ویژگی‌های مهم بانک، داشتن توان نقدینگی بالاست و زمانی که از میزان دارایی‌ها با توان نقدینگی بالا کاسته شود بانک با ریسک نقدینگی روبه‌رو می‌شود. یعنی در پرداخت بدهی‌ها در سررسید، ناتوان می‌شود. هامپتون (Hampton) دلایل مهم نگهداری نقدینگی در بانک‌ها را نیازهای معاملاتی روزانه، نیازهای احتیاطی (balance

در شرایطی که بازارهای مالی، توسعه نیافته و نقد شدن مطالبات مختلف بانک‌ها منحصرأوابسته به زمان سررسید آنها باشد و هیچ گونه قابلیت خرید و فروش وجود نداشته باشد، بانک‌ها به نگهداری مبالغ بالایی از دارایی‌های نقدی تمایل دارند تا متحمل پرداخت بهره نشوند یا نرخ بهره کمتری پرداخت کنند

Speculative) در موارد غیرمنتظره و نیاز وجه نقد در شرایط خاص می‌داند.

از نظر تئوری حسابداری، سطوح مختلف نقدینگی به شرح زیر بیان می‌شود:

- توان نقدینگی (Liquidity): توان نسبی واحد انتفاعی در تبدیل دارایی‌ها به وجه نقد یا نزدیکی دارایی‌ها به وجه نقد.

- توان واریز بدهی‌ها (Solvency): توان واحد انتفاعی در تحصیل وجه نقد برای پرداخت کلیه بدهی‌های خود در سررسید.

توان واریز بدهی‌های یک بانک، بقا و تداوم فعالیت آن را امکان‌پذیر می‌سازد و ناتوانی واریز بدهی‌ها ممکن است به توقف یا ورشکستگی و انحلال آن منجر شود.

- انعطاف‌پذیری مالی (Financial Flexibility): توان واحد انتفاعی در تأمین وجه نقد در فاصله کوتاهی از زمان دریافت اطلاعات در خصوص نیازمندی‌های مالی پیش‌بینی نشده یا پیدا شدن فرصت مناسب برای سرمایه‌گذاری.

توان نقدینگی، توان واریز بدهی‌ها و انعطاف‌پذیری مالی، سه سطح از مدیریت نقدینگی است که ترکیب و ساختار ترازنامه، اثر مستقیمی روی آنها می‌گذارد. مفهوم انعطاف‌پذیری مالی وسیعتر از مفهوم توان واریز بدهی‌هاست و توان واریز بدهی‌ها نیز مفهومی وسیعتر از توان نقدینگی دارد.

عواملی که ممکن است به صورت کلی ریسک نقدینگی را افزایش دهند، عبارتند از:

- سوء مدیریت اقتصادی از سوی دولت و شرایط عمومی عدم اطمینان اقتصادی

- تحلیل رفتن تدریجی اعتماد به سیستم بانکی در یک کشور

- تحلیل رفتن تدریجی اعتماد به یک بانک

- وابستگی به یک یا چند طرف تجاری محدود برای دریافت سپرده‌ها، افزایش کوتاه مدت و پرداخت وام دراز مدت.

برای کاهش یا خنثی‌سازی این عوامل می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

- تنوع در انواع سپرده‌ها و به حداقل رساندن تمرکز روی یک

منبع از سپرده‌ها

- کاهش اتکا به دریافت وجوه در بازار بین بانکی.

- دسترسی به وجوه از شریکان مربوط

- نگهداری سطح مناسبی از دارایی‌های نقد

- بیمه سپرده‌ها (که در جلوگیری از سلب اعتماد کمک می‌کند)

- کنترل مدیریت بر تطابق ساختار سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها

و نظارت بر وام به سپرده‌ها

- دسترسی به خطوط اعتباری آماده از سایر بانک‌های بزرگ و یا

بانک مرکزی در مواقع اضطراری و غیر منتظره (Hitchins , Hogg and Mallett, ۲۰۰۱, pp, ۲۱, ۲۲).

نظام مالی هر کشور نقش بسیار مهمی در سلامت، رشد و موفقیت اقتصادی کشور دارد. نهادهای مالی شامل بازارها و

موسسه‌های مالی، به عنوان نهادهای واسطه‌ای نقش مؤثری در تأمین، تجهیز، توزیع و تخصیص منابع مالی ایفا می‌کنند. هر کشوری

که دارای سیستم مالی پیشرفته‌تری باشد، می‌تواند ثبات مالی خود را در

سطح ملی و بین‌المللی حفظ کند (فرجی، ۳۸۱، ص ۱۵)

متنوع ساختن دارایی‌های بانک‌ها در سراسر جهان باعث می‌شود،

مدیریت ریسک در بانک‌ها بهبود یابد و در نتیجه سودآوری و ارزش افزوده

سهامداران بالا رود. یکی از مشکلات کنونی بانک‌ها، داشتن

دارایی‌های متعارف است که قابلیت، عرضه در بازار را ندارد. هنگامی که

بانک‌ها دارایی‌های خود را به اوراق بهادار تبدیل می‌کنند، وظایف متعارف آنها دگرگون شده و دارای ساختاری می‌شوند که آن را

”ساختاری عبوری“ می‌نامند. با تبدیل دارایی‌های معامله‌ناپذیر به دارایی‌های معامله‌پذیر در بازار، قدرت راهبردی، مدیریت و

برنامه‌ریزی بانک‌ها افزایش می‌یابد و باعث می‌شود:

- مدیریت نقدینگی بانک‌ها بهبود یابد و ریسک نقدینگی کم شود.

- کیفیت دارایی‌ها از جمله وام‌ها افزایش یابد و در نتیجه از ریسک اعتباری کاسته شود.

کاهش میزان دارایی‌های موزون شده بر مبنای ریسک، نسبت

سپرده‌های مشتریان نشان دهنده میزان وجوه پذیرفته شده از عموم، مانند پس‌انداز، سپرده‌های دیداری، سپرده‌های ثابت، سپرده‌ها با اعلام قبلی و سپرده‌های ارزی خارجی است

کفایت سرمایه در بانکها را بهبود می بخشد. اگرچه اصول فوق برای تمامی بانکها وجود دارد، اما علاوه بر موارد بالا، به دلایل زیر ریسک نقدینگی در بانکهای بدون بهره بالا است:

- ارائه تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها با سررسیدهای نسبتاً دراز مدت

- جذب منابع به صورت سپرده‌های کوتاه مدت و میان مدت - نبود بازارهای ثانویه فعال (قدرت نقل و انتقال) برای وام‌ها و تسهیلات اعطایی

- پایین بودن توان نقدینگی دارایی‌های مالی اسلامی

سودآوری در بانک

با توجه به بحث خصوصی‌سازی در بانکها و اهمیت مبحث سودآوری، لزوم دقت به عوامل ایجاد سودآوری ضروری است، که به دو بخش عمده زیر تقسیم می شود:

۱- نرخ موثر: درآمد (سود دریافتی) حاصل از ارائه تسهیلات به متقاضیان وام گفته می شود.

۲- قیمت تمام شده پول: بر اساس فرمول زیر محاسبه می شود:

هزینه غیر بهره‌ای + هزینه بهره‌ای = قیمت تمام شده پول
منابع آزاد / (هزینه های پرسنلی + هزینه اداری عمومی + م .

م) = هزینه غیر بهره‌ای

منابع مسدود - مجموع منابع = منابع آزاد

با توجه به مباحث مربوط به ریسک (عملیاتی، اعتباری، بازار، قانونی، مدیریت ریسک و ریسک نقدینگی)، بانکها می‌توانند سناریوهای مختلفی را برای خود در دو محور: ۱- هدف گذاری بر اساس حداکثر سود ۲- هدف گذاری براساس حداقل ریسک، انتخاب کنند که هر محور به دو انتخاب ختم می شود که در جدول ۱ نشان داده شده است. شایان ذکر است که روش های زیر تنها به مسائل نظری دلالت دارد و انتخاب میانه و راه های عملی نیاز به تحقیقات گسترده برای یافتن بهترین استراتژی در هر زمان با توجه به تمام متغیرها است. لذا این مقاله، گامی نوین در ورود مسأله نا اطمینانی در انتخاب، بهترین استراتژی مدیریت نقدینگی به شمار می آید.

محور ۱- هدف گذاری براساس کسب حداکثر سود:

شرح جدول ۱: این جدول برای نشان دادن انتخاب ۴ حالت ممکن به صورت جدی، بر اساس وزن (ضریب اهمیت) هر یک از شاخص های موجود (تسهیلات و سپرده ها) طراحی شده است که

امکان انتخاب بهترین استراتژی ها (ترکیب، منابع و مصارف) را از بین حالات ممکن، امکان پذیر می سازد، یکی دیگر از مزیت‌های این جدول، تبدیل کردن شاخص های کیفی به شاخص های کمی بر اساس وزن (ضریب اهمیت) است. به طوری که بالاترین عدد مربوط به بهترین استراتژی در بخش منابع و مصارف است. وزن‌ها (ضریب اهمیت) بر اساس هر یک از دو محور اصلی بالا تعیین می‌شود. برای مثال در جدول ۱ در ردیف یک، بر اساس محور یک (کسب حداکثر سود)، سپرده های ارزان قیمت نسبت به سپرده های گران قیمت (بلند مدت) از اهمیت بیشتری برخوردارند، لذا عدد ۲ به عنوان ضریب اهمیت برای شاخص سپرده های ارزان قیمت در نظر گرفته شده است. بر همین اساس، در ستون یک برای شاخص تسهیلات (مصارف)، تسهیلات بلند مدت با فرض اینکه نرخ سود در آینده (سال بعد) کاهش می یابد، برای بانک از لحاظ پرداخت اهمیت بیشتری نسبت به تسهیلات کوتاه مدت دارد. لذا عدد ۲، به عنوان وزن (ضریب اهمیت) برای بانک در مورد تسهیلات بلندمدت در نظر گرفته شده است. زیرا با فرض کاهش سود تسهیلات در آینده، در صورتی که تسهیلات کوتاه مدت باشد، پس از برگشت تسهیلات، بانک می باید مبالغ برگشتی را با نرخ سود کمتر از سال قبل، مجدداً تسهیلات پرداخت کند.

نکته:

۱- وزن (ضریب اهمیت): وزن های موجود به صورت قراردادی است و تنها بیانگر اهمیت کمتر و بیشتر تلقی می شود، اما در تحقیقات تکمیلی می توان وزن های واقعی را استخراج کرد.

۲- استراتژی: ترکیب منابع و مصارف به طور همزمان با جهت‌دهی به کارکنان در راستای چگونگی تجهیز و تخصیص منابع در بانک است. برای مثال ۴ استراتژی موجود در جدول یک موجود است (A, B, C, D)

۳- وزن استراتژی: برای تعیین وزن هر استراتژی، کافی است وزن سطر و ستون را با هم ضرب کنید. به عنوان مثال، بر اساس جدول ۱، در مورد گزینه (استراتژی) D با ضرب وزن مربوط به (سپرده های قرض الحسنه منابع ارزان قیمت) یا عدد ۲ با وزن مربوط به (تسهیلات بلند مدت) با عدد ۲، نتیجه نهایی یا همان ۴ استخراج می شود که بیانگر بالاتر بودن اهمیت استراتژی D (جمع‌آوری منابع ارزان قیمت با هدف ارائه تسهیلات گران قیمت)، نسبت به ۳ استراتژی دیگر است. علاوه بر این، براساس جدول ۱، استراتژی A با عدد ۱، از اهمیت کمتری نسبت به سایر استراتژی‌ها

جدول (۱): جدول استراتژی بهینه بر اساس دستیابی به حداکثر سود

۲	۱	وزن (ضریب اهمیت)	مصارف منابع
سپرده های قرض الحسنه (منابع ارزان قیمت)	سپرده های بلند مدت (منابع گران قیمت)	شاخص	وزن (ضریب اهمیت)
B=۲	A=۱	تسهیلات کوتاه مدت	۱
D=۴	C=۲	تسهیلات بلند مدت	۲

برخوردار است. در مورد استراتژی B و C بانک بی تفاوت است. ارئه می شود. مجدداً تاکید می شود که تمام موارد بالا بر اساس محور یک (هدف گذاری بر اساس کسب حداکثر سود) است که یک حالت جدی است. مهمترین سؤال، که در این مبحث مطرح می شود، این است که وزن ها بر اساس چه معیاری مشخص می شود؟ در پاسخ به این سؤال، همانگونه که در نکته یک توضیح داده شد، وزن های موجود در جدول ۱ و ۲ به صورت قرار دادی است و تنها بیانگر اهمیت کمتر و بیشتر تلقی می شود، اما در تحقیقات تکمیلی می توان وزن های واقعی را استخراج کرد. با این توضیح حال می توان سؤال را چنین مطرح کرد که اولویت بندی شاخص ها بر چه معیاری صورت گرفته است؟

در پاسخ به این سؤال، ابتدا هر یک از گزینه ها را می توان با فرض ثبات سایر شرایط و وجود عدم همبستگی بین محورهای ۱ و ۲، در بخش منابع و مصارف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

الف - تجزیه و تحلیل بخش منابع از لحاظ سود آوری، بدون در نظر گرفتن مبحث ریسک منابع:

۱- منابع ارزان قیمت (حساب جاری، پس انداز و کوتاه مدت): حداقل سود ممکن به سپرده گذاران این گونه از سپرده ها پرداخت می شود. سود پرداختی به اینگونه از حساب ها به شرط زیر است:

حساب جاری: سود صفر که در مقابل موارد تشویقی از قبیل خدمات رایگان، هدایای دسته چک و اولویت در پرداخت تسهیلات

علت به وجود آمدن ریسک اعتباری، این است که دریافت کنندگان تسهیلات، توانایی بازپرداخت اقساط بدهی خود را به بانک نداشته باشند

لذا از دیدگاه حسابداری و سودآوری بدون در نظر گرفتن سایر شرایط از بین ضریب اهمیت (وزن) (۱) و (۲) (اعداد به صورت فرضی و قراردادی هستند). عدد ۲ به عنوان ضریب اهمیت (وزن) اینگونه از حساب ها انتخاب شده است. در مقابل به حساب های گران قیمت به دلیل پرداخت سود بیشتر به سپرده گذاران، عدد وزنی (یک) تعلق گرفته شده است که با فرض ثبات شرایط در اولویت پایین تر از حساب های ارزان قیمت از لحاظ سودآوری قرار دارد. به عنوان مثال، نرخ سود پرداختی به سپرده های مدت دار، در بانک صادرات به صورت زیر است.

کوتاه مدت ویژه (۱۳/۵ درصد)، یک ساله تا چهار ساله (۱۵/۷۵ درصد) و پنج ساله (۱۶٪)

ب - تجزیه و تحلیل بخش مصارف از لحاظ سود آوری، بدون در نظر گرفتن ریسک منابع:

مصارف (تخصیص منابع) در واقع تسهیلاتی است که بانک به متقاضیان واجد شرایط پرداخت می کند. اگر فرض شود که گیرندگان تسهیلات بلندمدت می باید سود بیشتری پرداخت کنند، پرداخت

جدول (۲): جدول انتخاب استراتژی بهینه بانک، بر اساس دستیابی به حداقل ریسک

۲	۱	وزن	مصارف
		(ضریب اهمیت)	منابع
سپرده‌های گران قیمت	سپرده‌های ارزان قیمت	شاخص	وزن (ضریب اهمیت)
$B=2$	$A=1$	تسهیلات بلند مدت	۱
$D=4$	$C=2$	تسهیلات کوتاه مدت	۲

وزن ارایه شده به هر شاخص تنها براساس ریسک مربوط به هر گزینه است؛ یعنی به شاخصی که کمترین ریسک را با فرض ثبات سایر شرایط دارد، بالاترین وزن (عدد ۲) تعلق می‌گیرد و بالعکس. حالات D، بهترین انتخاب و حالت A بدترین انتخاب است. عوامل این مسأله را با فرض ثبات سایر شرایط و بی‌توجهی بانک به مسأله سودآوری، می‌توان به شرح زیر در دوبرخش منابع و مصارف با توجه به توضیحات قبل مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

الف- تجزیه و تحلیل بخش منابع (سپرده‌ها) از لحاظ دستیابی به حداقل ریسک:

۱) منابع ارزان قیمت (سپرده‌های ناپایدار): وزن این نوع از سپرده‌ها بر اساس جدول ۲، عدد ۱ است. زیرا پایداری این منابع نسبت به منابع گران قیمت (یا سپرده‌های مدت دار) کمتر است. ناپایداری به مفهوم تاثیرپذیری سریع سپرده‌ها در مقابل شوک‌های اقتصادی است. به عنوان مثال، اگر احتمال جنگ بعد از یک گفت‌وگوی خبری توسط بالاترین مقام کشور ذکر شود، سپرده‌گذار با فرض وجود احتمال تورم بالا و در پی آن کاهش ارزش پول، مبادرت به تبدیل مبالغ نقدی به دارایی‌های ضد تورمی (همچون زمین، طلا، ارز و...) می‌کند. وجود ریسک بازار، بارز ترین ریسک تهدیدکننده در این قسمت است. لذا سپرده‌های ارزان قیمت به راحتی از بانک خارج می‌شوند.

۲) منابع گران قیمت (سپرده‌های پایدار): به این دلیل که فرد سپرده‌گذار با برخی از محدودیت‌ها در هنگام خروج سپرده مواجه می‌شود. از قبیل، پرداخت مابه‌التفاوت سود دریافتی تا

تسهیلات بلند مدت برای بانک سودآورتر و اهمیت بیشتری دارد. از این رو در جدول شماره ۱ عدد ۲ به عنوان وزن (ضریب اهمیت) تسهیلات بلند مدت در نظر گرفته شده است.

از طرفی در بخش تخصیص و توزیع (سپرده‌ها) یا منابع، اگر هدف سودآوری باشد، می‌باید با توجه به تغییر نرخ سود تسهیلات در آینده (افزایش، کاهش، ثبات)، تخصیص منابع بر اساس انتخاب یکی از سه وضعیت زیر انجام بگیرد، که به ترتیب، در صورت افزایش احتمالی سود تسهیلات، نسبت به تخصیص تسهیلات کوتاه مدت اقدام کند، در صورت احتمال کاهش سود تسهیلات، به ارائه تسهیلات بلند مدت اقدام کند و در صورت ثابت بودن و برابری نرخ سود بی تفاوت باشد. پس به طور خلاصه، بانک

می‌باید با توجه به شرایط، یکی از سه حالت زیر را انتخاب کند: (احمدپور، ۱۳۸۵)

احتمال افزایش نرخ سود تسهیلات در آینده: تسهیلات کوتاه مدت در اولویت است.

احتمال کاهش نرخ سود تسهیلات در آینده: تسهیلات بلند مدت در اولویت است.

در صورت ثبات نرخ سود: بانک بی تفاوت است. (پرداخت به تسهیلات با نرخ سود بالاتر ارجحیت دارد).

محور ۲- هدف‌گذاری براساس دستیابی به حداقل ریسک:

در اینجا حالت حدی دیگری در جدول ۲، نشان داده شده است،

اگر بانک‌ها در روش‌های
تأمین مالی و قیمت‌گذاری
ارزش خدمات اشتباه کنند،
در معرض ریسک قرار
خواهند گرفت

موسسه پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی

۵ درصد کمتر از سپرده‌های کوتاه مدت (جریمه بستن حساب)، زمانبر بودن و مواردی از این قبیل، باعث عدم انگیزه لازم در فرد سپرده‌گذار برای خروج مبالغ و عکس‌العمل سریع در برابر شوک‌های اقتصادی می‌شود. این نوع از سپرده‌ها در کشورهایی که دارای نرخ تورم بالا هستند، به نفع بانک و به ضرر سپرده‌گذار است. زیرا در مواقع تورم همواره قرض دهنده متضرر و قرض گیرنده منتفع می‌شود.

ب- تجزیه و تحلیل بخشی تسهیلات (مصارف) از لحاظ دستیابی به حداقل ریسک:

۱- تسهیلات بلندمدت: به تسهیلاتی گفته می‌شود، که زمان اتمام تسویه و پرداخت دیون توسط گیرنده تسهیلات بیش از یک سال باشد. (مانند تسهیلات خرید خودرو، کالاهای بادوام، مواد اولیه، جعاله و...) که معمولاً در قالب عقود مشارکتی نمود پیدا می‌کند.

در جدول ۲، وزن (ضریب اهمیت) کمتر یا عدد یک به تسهیلات بلندمدت، با در نظر گرفتن ریسک پرداخت تسهیلات اختصاص داده شده است. وجود ریسک اعتباری، که در نهایت زمینه ساز مطالبات معوق نیز می‌شود عامل اصلی در اولویت کمتر به تسهیلات بلند مدت است. ۲- تسهیلات کوتاه مدت: عمده معاملات کوتاه مدت می‌تواند براساس عقد با بازده معین از جمله فروش

اقساطی، اجاره به شرط تملیک و خرید دین و... انجام بگیرد. این نوع از تسهیلات به علت برگشت سریع سرمایه، مصون ماندن از تورم به نسبت کمتر از تسهیلات بلندمدت و پاسخگویی سریعتر به نوسانات و هجوم سپرده‌گذاران، با ریسک کمتری مواجه و از این لحاظ برای بانک دارای ضریب اهمیت بیشتری است.

مبحث کاربردی

حال سؤال اساسی این است: با توجه به جداول ۱ و ۲ با در نظر گرفتن مباحث ریسک و سود آوری به صورت همزمان، بهترین استراتژی برای بانک چه ترکیبی است؟ برای روشن شدن موضوع نتایج جدول ۱ و ۲ را مجدداً بررسی می‌کنیم.

انتخاب بهترین استراتژی برای مدیریت (D): با فرض روند افزایش نرخ سود تسهیلات در آینده در دو محور سود و ریسک به صورت زیر است:

- محور سودآوری: سپرده‌های ارزان قیمت با تسهیلات کوتاه مدت

- بحث ریسک: سپرده‌های بلندمدت با تسهیلات کوتاه مدت پاسخ به این سؤال اساسی، منوط به انجام دادن تحقیقات گسترده برای دستیابی به وزن‌های واقعی، با توجه به محاسبه دقیق ریسک، شرایط بازار و سایر متغیرهای مرتبط است، ولی برای سادگی، مثلاً در بانک صادرات، استراتژی موردنظر، دریافت منابع ارزان قیمت و پرداخت تسهیلات کوتاه مدت است. لذا می‌توان بر اساس جدول ۱ و ۲ این استراتژی را به راحتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

بخش منابع (سپرده‌ها): انتخاب منابع ارزان قیمت از لحاظ سودآوری براساس جدول ۱ دارای اولویت بالاتری نسبت به منابع

گران قیمت است. لذا از وزن (ضریب اهمیت) بالاتری برخوردار است. اما بر اساس جدول ۲، یا مبحث ریسک به علت عدم پایداری دارای ضریب اهمیت کمتری است. تنها در یک صورت، سیاست جمع‌آوری منابع ارزان قیمت، مورد قبول است که وزن سودآوری بیشتر از وزن ریسک (عدم پایداری منابع) باشد.

بخش مصارف (تسهیلات):

تسهیلات کوتاه مدت بر اساس جدول ۱ با توجه به احتمال افزایش نرخ سود تسهیلات، دارای ضریب اهمیت بالاتری (وزن) نسبت به تسهیلات بلندمدت است. بر اساس جدول ۲، تسهیلات کوتاه مدت از اهمیت بیشتری برخوردار است. لذا انتخاب گزینه تسهیلات کوتاه مدت با توجه به دو شاخص سودآوری و ریسک، در اولویت قرار دارد. لذا با توجه به نتایج این تحقیق، استراتژی جمع‌آوری منابع ارزان قیمت (تجهیز منابع از طریق سپرده‌های ارزان قیمت) و ارائه تسهیلات کوتاه مدت (تخصیص منابع کوتاه مدت) پیشنهاد می‌شود. بنابراین استراتژی مدیریت نقدینگی در بانک صادرات با توجه به نتایج این مقاله و پیش فرض افزایش نرخ سود و اهمیت بیشتر موضوع سود آوری منابع (سپرده‌ها)

هر کشوری که دارای سیستم مالی پیشرفته‌تری باشد می‌تواند ثبات مالی خود را در سطح ملی و بین‌المللی حفظ کند



نسبت به ریسک (سپرده‌ها)، مورد تایید است. تحقیقات تکمیلی برای شناسایی و تعیین وزن‌ها، ضریب همبستگی، احتمالات و ورود مسائل مرتبط با نااطمینانی بر اساس نتایج این مقاله می‌تواند گامی نوین و کمک شایان توجهی در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی به شمار آید. در مجموع، هدف بانک‌ها در مدیریت نقدینگی باید دستیابی به استراتژی‌ای باشد که حداکثر سود را با حداقل ریسک امکان پذیر سازد.

منابع و مأخذ:

- ۱- احمدپور، هادی. برآورد کارایی یک بانک تجاری با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)، مورد مطالعاتی بانک صادرات مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران، ۱۳۸۵
- ۲- پیش‌بینی و مدیریت ریسک در بورس اوراق بهادار تهران، علی رسولی‌زاده‌ئی، اسفند. ۱۳۸۴
- ۳- بختیاری، حسن. روش‌های موثر در مدیریت نقدینگی، فصلنامه حسابرسان، شماره ۳۴ و پاییز. ۱۳۸۵

5-Financial Risk, Second Philippe Jorion, Value at Risk: The New Benchmark for Managing Edition, McGraw Hill, 2000.

6- www.bsi.ir

7-Greuning Hennie , van , Sonja , brajovic, bratanovic, analyzing banking risk (a framework for assessing corporate gavnance and financial risk manegment0, world bank, 2000.

8-Hitchins , john ,mithell ,hogg and divid , mallet , banking a regulatory accounting and auditing guide, London, the institute of chartered accountants in England and wales, 2001.